«گناه فرشته» جدیدترین اثر حامد عنقا
نتوانست مشکل رکود سریال‌های شبکه نمایش خانگی را حل کند

گناه فیلمفارسی سازی

گناه فرشته
حامد عنقا

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

مجموعه نمایش خانگی «گناه فرشته» که این روزها به قسمت‌های پایانی رسیده و احتمالا در پایان همین هفته به پایان خواهد رسید یکی از سریال‌های پربیننده اواخر سال ۱۴۰۲ بود که البته درنهایت، سرانجام خوبی نداشت و چندین قسمت است که در هر اپیزود با انتقادات فراوان تماشاگران مواجه می‌شود و با این روند شاید حتی در پایان بندی نیز نتواند با نظرات مثبت کاربران فیلیمو بدرقه شود. این در حالی است که جدیدترین سریال حامد عنقا در قسمت نخست توجهات بسیاری را به خود جلب کرد و با یک شروع بسیار خوب نوید اثری چشمگیر و تماشایی را می‌داد اما بعد از چند قسمت روی دور تکرار افتاد و پیچیدگی فراوان قصه که به ابهام انجامید، بود کار خودش را کرد تا در نهایت این اثر به عنوان محصولی پربیننده، ولی ناموفق در کارنامه فیلیمو ثبت شود. این نکته جالب و در عین حال تأمل برانگیزی است که دو سریال پی‌درپی این پلتفرم در جمعه‌ها (که زمان پخش بهترین آثار فیلیمو است) با بیننده زیاد و نارضایتی بالا مواجه شود؛ چراکه گناه فرشته نیز سرنوشتی مشابه «زخم کاری: بازگشت» یافت.

پیچیدگی یا سردرگمی؟

روشن است که در مدیوم سریال، قصه در بالاترین اولویت قرار می‌گیرد و البته گناه فرشته نیز بیش از هر چیز از همین مساله ضربه خورد. فیلمنامه گناه فرشته که در ابتدا با تعلیق ویژه‌ای آغاز شد و بسیاری را امیدوار کرد، تا پیش از این یکی دو قسمت آخر، به شکلی جذاب، پیچیده به نظر می‌رسید؛ تا جایی که انتظار حامی را در میان تماشاگران برای گره‌گشایی ایجاد کرده بود. با این حال پیچیدگی گناه فرشته به اندازه‌ای رسید که دیگر نه به عنوان یک مزیت، بلکه به عنوان یک نقطه ضعف مطرح شد و بیشتر از آن که مخاطب خود را سرگرم کند، مخاطب را سردرگم کرد. اکنون به راحتی می‌توان تماشاگران بسیاری را یافت که چندین قسمت است تمشای این اثر را کنار گذاشته‌اند و این امر نه فقط به علت تکراری دور باطل، بلکه به علت سردرگمی آنهاست. کارگردها حتی در همین قسمت‌های آخر (که به‌تدریج زمان گره‌گشایی فرا رسیده) نتدانند به قصه اضافه می‌شوند و درحالی‌که روشن نیست تا پیش از این در کجای قصه قرار داشته‌اند ناگهان در گره‌گشایی مهم به نظر می‌رسند. این‌گونه رودست زدن به تماشاگر به وسیله شخصیت‌هایی که پیش از این به او معرفی نشده‌اند گشایش گره یک معما نیست، بلکه سرهم‌بندی است. فیلمساز قصه‌ای نوشته که حالا مجبور است آن را با کارگردهایی قدرتمند از ناکجاآباد اصطلاحا جمع کند. طبیعی است که تماشاگر چنین اثری را پس بزند. موتیف کارا کتری که بدون دلیل مشخص، مورد احترام همگان قرار دارد، پس از افزاده؛ که در کارا کتر حاج‌رضا تهرانی با بازی زنده‌یاد امین تارخ متجلی شده بود، در گناه فرشته نیز در کارا کتر پدر حامد با بازی بهروز رضوی دیده می‌شود، اما هم نیز با تهدید شخصیت‌هایی نامشخص مواجه می‌شود که به نظر می‌رسد سرنخ اصلی وقایع را در دست دارند.

تزریق هیجان دروغین

فیلمساز جزاین حیله (ایک تمهید دیگر نیز استفاده کرده تا جذابیت کاذب به محصول خود بدهد. این امر در قسمت ۱۶ که با انتقادات فراوانی نیز همراه شد وجود داشت؛ چراکه حدود نیمی از این قسمت به رویای پرهیجان و دروغین فرشته اختصاص داشت و ذوق کاریزی که فکر می‌کرد در حال تماشای یک صحنه هیجان‌انگیز است، ناگهان با پریدن این شخصیت از خواب، کور شد. در قسمت‌های اخیر همچنین اعتراف فرشته باعث شد گناه‌کاری این کارا کتر اثبات شود. این در حالی است که فرشته از ابتدا توسط فیلمساز بی‌گناه معرفی شده بود؛ به وسیله چندین بار روایت سکانس قتل عشیری که از جانب فرشته، به عنوان حقیقت ماجرا تصویر شده بود. آنچه حامد عنقا در این مجموعه انجام داد، نه ایجاد یک گره و تعلیق، بلکه فریب مخاطب بود. این از اصول اولیه ژانر معمایی است که فیلمساز می‌تواند بخشی از ماجرا را از دید مخاطب پنهان کند ولی نمی‌تواند به او دروغ بگوید. گناه فرشته، از این اصل تخطی کرد و مخاطب خود را با تصویرسازی از دروغ فرشته به عنوان یک حقیقت، گمراه کرد.

یک کارگردانی پراشکال

در کنار فیلمنامه سریال که در نبرد با ضعف امتیازات یک ضعف بسیار بزرگ دارد، اجرای آن را ما حتی از آن نیز در سطحی پایین‌تر قرار می‌گیرد. کارگردانی اثر به اندازه‌ای ضعیف است که نیازی به چشم مسلح ندارد و عدم مخاطبان متوجه اشتباهات در قاب‌بندی و فضاسازی می‌شوند. این امر البته در حالی است که در اثر استفاده از گروه بازیگران باتجربه و حرفه‌ای - حتی برای نقش‌های مکمل و فرعی - ضعف اجرا در زمینه هدایت بازیگران کمتر به چشم می‌آید؛ چراکه اغلب هنرپیشه‌ها با حداقل هدایت، گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند و شهاب حسینی در نقش اصلی، نقش‌آفرینی بسیار خوبی دارد که او را در جایگاهی بالاتر از وضعیت کلی مجموعه قرار می‌دهد. مجموعه ایرادات ذکرشده خصوصا اشکالات قصه، ذهن را بیش از هرچیز به سهل‌انگاری در نگارش فیلمنامه می‌رساند؛ گویی فیلمساز در اثر موفقیت‌های قبلی در «پدر» و آقازاده گمان کرده هرچه تحویل مخاطب دهد، حلوا حلوا خواهد شد. گناه فرشته درحالی‌که می‌توانست با قصه‌ای حساب‌شده، تر به اثری ماندگار تبدیل شود در نهایت محصولی هدررفته و ناموفق لقب گرفت.

گناه فیلمسازی بدون قصه

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

دختری مرتکب قتل شده و پدرش از ترس اعدام شدن به دنبال یک وکیل مجرب می‌گردد تا او را قانع کند دخترش را نجات بدهد. وکیل مجاب می‌شود. این اتفاق در حالی می‌افتد که همسر آن وکیل وکالت خانواده مقتول که پیرمردی پولدار بوده است را به عهده دارد و این اتفاق در زندگی‌شان چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. اگر فکر می‌کنید همه داستان به همین کش‌وقوس وکالت‌ها و نجات دختر ختم پیدا می‌کند سخت در اشتباه هستید، دختری که متهم به قتل است عاشق وکیلش می‌شود با وجود اینکه وکیل متاهل است! دختر به مراد دلش می‌رسد اما مشخص می‌شود همه چیز یک بازی بوده و او با پسر مقتول دست به یکی کرده‌اند و پسر مقتول دوست پسر سابقش است ...

این داستانی که تعریف کردم بخش‌هایی از یک سریال ترکیه‌ای نیست و می‌توانید در بستر شبکه نمایش خانگی این سریال ایرانی را با همین محتوا ببینید. پخش سریال «گناه فرشته» جدیدترین ساخته حامد عنقا از دی‌ماه سال گذشته شروع شد. البته حواشی و انتظار برای آمدن این سریال با بیلبوردهایی بود که از یک هفته قبل در خیابان‌های تهران بالا رفت و نشان از شروع یک دِرام جنایی داشت. علی‌رغم انتظارها هرچه سریال پیش می‌رفت نشانه‌های ضعف روایت و قصه‌پردازی بیشتر خودش را بروز می‌داد. دادگاه، قتل، فریب دادن آدم‌ها، دگوگانه عشق و نفرت، خیانت و... از ویژگی‌های کارهایی است که حامد عنقا در قامت نویسنده یا کارگردان برای آغازش انتخاب می‌کند. او کار در حوزه تلویزیون را از سال ۷۸ و کار در سینما را از سال ۸۳ آغاز کرده و مهم‌ترین کارهای او تاکنون سریال تلویزیونی «تنهایی لیلا»، سریال نمایش خانگی «آقازاده» و فیلم سینمایی «غریب» است. در یک اثر نمایشی، هنر و جذابیت‌های یک بازیگر تا یک جایی می‌تواند مخاطب را با آن اثر درگیر کند و از یک جایی به بعد روایت داستان و استحفاظ بازیگر در خلق کارا کتر مهم است. وقتی اسم شهاب حسینی به عنوان یکی از بازیگران این سریال مطرح شد یکی از جذابیت‌ها و کنجکاوی مخاطبان پیگیری او و کارا کترش در این نقش بود. اما آرام‌آرام اجرای یک کارا کتر ناقص روی دوش این بازیگر سنگینی کرد و حامد تهرانی سریال «گناه فرشته» را چشم مخاطبانش افتاد.

روایت در سریال شامل نقل یا شرح رویدادهای واقعی یا خیالی است. تصاویر و کنش‌های بازیگران باید به کمک روایت تصویری سریال می‌آمدند اما آنچه دیده می‌شد شرح و توصیف اتفاقات بود!

«یک تصویر به اندازه هزار کلمه ارزش دارد.» چیزی که توصیفش به چندین صفحه متن نیاز دارد، تنها با یک نمای باز دوربین به تصویر کشیده می‌شود. یک اثر نمایشی با یه کارگیری دقیق و حساب‌شده عناصر بصری می‌تواند تماشاگرش را در دل ماجرا قرار دهد. اتفاقا برای داستان‌هایی که سراغ مباحث جنایی می‌روند به‌کارگیری صحیح عناصر تصویری به یوان شدن قصه و کم کردن پیچیدگی‌های مباحث قضایی کمک شایان توجهی می‌کند.

بی‌توجهی به توجیهات درماتیک یک اتفاق از جمله نقاط ضعف گناه فرشته است. حامد تهرانی، وکیل معروف است و زندگی خوبی دارد. او در معرض یک پرونده قضایی به‌یکباره با قتل فردی که فکر می‌کند مادرش را در گذشته کشته است، قرار می‌گیرد و قرار است همین اتفاق زندگی او را دچار تنش کند. اما حتی این تحت‌تاثیر قرار گرفتن زندگی و حتی عاشق شدن‌های دوباره حامد بدون هیچ منطقی- جلوی چشم مخاطب قرار می‌گیرد به‌گونه‌ای که مخاطب نمی‌تواند آن را درک کند.

عنقا در این مجموعه کار کارگردانی کرده است اما در کارهای پیشین هم که نقش نویسنده یا تهیه کننده را برعهده داشت، ترجیحا روایت غیرخطی را بیشتر می‌پسندید. اینجا هم همین کار را کرده است و فلش‌بک‌ها قرار است به باز شدن گره‌های داستانی کمک کند اما از یک جایی به بعد با یک سردرگمی روایت مواجهید و در برخی مواقع آن قدر گره‌ها پیچیده و کور می‌شوند که باز کردن‌شان بسیار سطحی، کلیشه‌ای و بی‌معنا می‌شود. گناه فرشته نه از بیش روایت قبل برآمده و نه از پس داستان عشق! عشقی که بین حامد و فرشته روایت می‌شود خیلی به‌یکباره است و مثل بقیه نقاط حساس سریال مخاطب از این عشق و به ثمر نشستنش تعجب می‌کند.

رویاهای شخصی‌ات را نفروش!

میلاد خلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

مکاتب و نحله‌های نقد هنری فراوانند و حتی گاهی ممکن است بعضی از آنها با هم متناقض به نظر برسند. مثلا در یک دیدگاه گفته می‌شود که باید برای شناخت اثر به شناخت نهاد مولف آن برسیم و در نحله دیگر درست برعکس، صحبت از مرگ مولف می‌کنند و می‌گویند تنها و تنها باید با خود اثر مواجه شد. آنچه در ادامه می‌خواهیم به آن اشاره کنیم به تفاوت بنیادین نحله‌های نقد هنری مربوط نیست، بلکه به نوع نویسنده یا کارگردان اثر و انتخاب روش نقد آن برمی‌گردد. در نقد آثار هنری غیر از اینکه ما به عنوان منتقد چه نوع دیدگاهی داریم، اینکه خود اثر چگونه و در چه شرایطی خلق شده و چه می‌گوید هم مهم است. مثلا یک فیلم را می‌توان برون‌داد یک واکنش جمعی به رویدادی بزرگ از قبیل جنگ یا انقلاب دانست و نقد روانشناختی خالق اثر و بررسی آنچه در کودکی یا جوانی بر او گذشته راجع به چنین اثری چندان کار نمی‌کند. درست برعکس این هم می‌تواند صادق باشد و گاهی با آثاری مواجهیم که به ما می‌گویند باید به درون نهاد خالق شان برویم و سعی کنیم شرایط تکوین آن را بررسی کنیم. نقد روانشناختی هم می‌تواند به دو سویه متفاوت متمایل شود. هم می‌توان مخاطبان اثر را به لحاظ روانشناختی با روانشناسی اجتماعی نقد کرد و هم دوینیات خالق اثر به عنوان ریشه خلق یک کار هنری قابل بررسی هستند. بعضی از آثار هنری به عنوان کلیشه‌های تجاری خلق می‌شوند و اگر راجع به آنها بتوان از نقد روانشناختی هم استفاده کرد، باید جامعه مخاطبان اثر که این کلیشه‌ها روبشان کار می‌کند و بابت آن پول می‌پردازند تحلیل شوند. مثلا در فیلمفارسی و فیلمترکی و بسیاری از گونه‌های عامه‌پسند سینمایی در جهان، به مخاطبان رویامی فروشند. از طریق بررسی مولفه‌های تکرارشونده در این آثار می‌توان فهمید که در جامعه مخاطبان هدف آنها چه طیف‌هایی و با چه گستردگی و دامنه‌ای وجود دارد و این افراد چه رویاهایی دارند. اگر در بسیاری از فیلم‌های فارسی می‌بینیم که دختری ثروتمند و زیبا به پسری فقیر و معمولی علاقه‌مند شده، این یعنی طیفی از جامعه شهری آن دوره که سودا و رویای پیشرفت را در سر می‌پرورانند. به امید صعودی یک شبه و بی‌زحمت دلش را خوش می‌دارد و بیشتر مخاطبان این آثار هم پسران جوان هستند. در بررسی انواع دیگری از آثار می‌شود به وضوح فهمید که قبل از هر چیز باید دوینیات روان‌سازه‌اش مورد بررسی قرار بگیرد. اگر چند اثر از یک نویسنده یا کارگردان سینما کار هم قرار بگیرند، به دست آوردن تحلیل‌های این چنینی آسان‌تر هم خواهد شد. کنار هم قرار دادن چند مورد از آثاری که حامد عنقا نویسنده آنها بوده هم این دستمایه را فراهم می‌کند. از بررسی بعضی نظرات که در فضای مجازی منتشر می‌شوند می‌توان فهمید حتی مخاطبان عادی آثار که نه تنها کارشناس روانشناسی نیستند، بلکه تخصصی در نقد هنری هم ندارند درمورد قصه‌هایی که این نویسنده روایت کرده مسئله را به دوینیات خود اوربط می‌دهند. یک تحلیل چند خطی در فضای پلتفرم ایکس یا همان توییتر سابق سرزمنه را به دست باقی افراد داد و آزان به بعد هر یک روی همین خط حرکت کردند چون دقیق‌ترین نکته و فوری‌ترین نکته‌ای که هر ذهنی را در تحلیل آثار این نویسنده به اقناع درونی می‌رساند، از روی همین خط حرکت می‌کند. یک نفر در شبکه ایکس نوشت که حامد عنقا هر کاری می‌نویسد، اسمم بازیگر مرد قصه را حامد می‌گذارد و زنی را در قصه نشان می‌دهد که عاشق و شیفته و شیدای حامد است. در چنین موردی این رویاهای مخاطب نیست که به او فروخته می‌شود، بلکه رویای خود خالق اثر است که در اثر تحلی پیدا می‌کند. نوع نگاهی که این نویسنده به مساله زن دارد پس از تکرار در چند اثر، حالا دیگر برای همه شکل شناخته شده‌ای پیدا کرده و البته باید توجه داشت که این تم تکرارشونده، از آن نوع تم‌هایی نیست که همدلی و همذات‌پنداری غالب مخاطبان را برانگیخته کند و درست برعکس، شکلی بسیار زننده و پرداغمه دارد. جایی که قیله‌های عامه‌پسند به گروه بزرگی از مخاطبان رویا می‌فروشند، عقده‌های فروخورده جماعتی که این رویاها را باور می‌کنند و انگار به خواب رفته‌اند، مورد نقد قرار می‌گیرد اما جایی که خالق یک اثر به خودش رویا بفروشد، مخاطبی که اساسا دغدغه‌اش آن رویای به خصوص نیست از این حرکت به شدت زده می‌شود. بدتر از آن جایی است که مخلوط شدن کمپلکس‌های جنسی و شخصیتی با ایده‌های دست راستی در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، معجونی پدید می‌آورد که اگر به آن مذهبی بودن هم اضافه شود، زشت‌ترین و زننده‌ترین مورد از مذهبی بودن را پدید می‌آورد؛ چیزی که از یک آن تحت عنوان وهن مذهب هم می‌توان یاد کرد و در تمام دوره‌های تاریخی ایران حتی از جانب مذهبی‌ترین افراد منفور بوده است. امروز به آن صورتی می‌گویند، روزی دیگر بوزوایای تسبیح به دست خوانده می‌شد. در دوره‌ای که مذهب پیوند عمیقی با سیاست انقلابی پیدا کرده بود به آن اسلام آمریکایی می‌گفتم و حتی در سال‌های دور ماضی، از آن تحت عنوان فرقه سالوس و ریا یاد می‌شد. آثار حامد عنقا را از جهات مختلف می‌توان بررسی کرد و حتی ممکن است بتوان در بعضی از آنها درون‌مایه‌های جذابی از قصه‌گویی عامه‌پسند پیدا کرد اما این کمپلکس که بیرون دادشان در آثار او تمام‌شدنی نیست و به دال مرکزی قصه هم تبدیل می‌شود در آثار اخیر او وی تمام جنبه‌های دیگر سایه انداخته و حالا که این خصوصیت توسط مخاطبان به طور ذوق شناخته شده و روی آن حساسیت وجود دارد ادامه کار حامد عنقا را به این شکل به‌شدت مشکل می‌کند.

چشم‌هایمان گناه داشتند!

مریم قضائلی
خبرنگار

بعد از گذر از فصل دوم سریال زخم کاری، فیلمبو که با نقدهای بسیاری از سمت کاربرانش مواجه شده بود، باید حواسش به جذب و نگهداری مخاطبانش می‌بود. در این شرایط سریال «گناه فرشته» با بازیگرانی شناخته شده شاید در رسمان نجات خوبی به‌نظر می‌رسید. ریسمانی که با پخش چند قسمت از سریال، نشان داد که پوسیده است و جایی برای نجات نگذاشته است. درمجموع این ۱۷ قسمتی که از سریال گناه فرشته گذشته، با سریالی مواجه هستیم که از دوقطبی تکراری پولدار و فقیر استفاده کرده است. دوقطبی‌ای که تنها بر به خلاقیت و نگاهی جدید دارد اما حامد عنقا که در مقام طراح، نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان قرار دارد به دم دستی‌ترین شکل ممکن این دوگانه را به دیرخانه هفته هنر انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. درگام بعد، غریبه نیست و در آثار قبلی او هم در سطحی دیگر با مساله مواجه شده بود اما این بار ضعف‌های فنی بیرون زده از سریال، به‌شدت مخاطبش را سردرگم و عصبی می‌کند. سریال گناه فرشته با وجود داشتن ستاره‌های بازیگری، ظرفیت بالایی برای جذب و نگه‌داشت مخاطب داشت اما به دلیل اینکه طراحی کاراکترها سطحی و عقب‌افتاده هستند، با مجموعه‌ای از آدم‌های بی‌شکل و ناقص طرف هستیم که فقط جلوی دوربین ظاهر می‌شوند و دیالگ‌ها را تکرار می‌کنند. اتکای بیش از حد بازی‌ها به متن و نبود اتفاقاتی که قصه را پیش ببرد، باشنه آشیل سریال است و این هم نتیجه عدم توجه به شخصیت‌سازی در سریال است. مخاطب برایش مرگ سوژه اصلی سریال اهمیتی ندارد و در برخی از مقاطع این قصه، می‌گوید پس چرا سریع‌تر حکم اعدام فرشته اجرا نمی‌شود. خطوط قصه برای طراحی کاراکتری همچون فرشته آنقدر کج و معوج است که ابتدا در مقام یک مظلوم ظاهر می‌شود و به مرور تبدیلی به زنی می‌شود که می‌تواند از داخل زندان، زندگی یک خانواده را از هم بپاشد. واضح است که تکلیف مخاطب هم با چنین کاراکتر کاریکاتوری شده‌ای مشخص نیست.

«چرا چنین شد؟» از جمله سوالاتی است که مدام در ذهن مخاطب گناه فرشته تکرار می‌شود و نویسنده، به‌دون ملاحظه هیچ و درک مخاطب، به‌دون پاسخ از کنار این سوال رد می‌شود. هرچه قصه پیش می‌رود، مخاطب به مرور برایش انبوهی از سوالات به‌دون جواب پیش می‌آید که در هر قسمت بیشتر و بیشتر می‌شود. به عنوان نمونه در طی بررسی پرونده قتل عشیری، چند نفر که از طرق مختلف به این پرونده ارتباط پیدا کرده‌اند، به قتل می‌رسند. حتی به نظر می‌رسد که شاید قاضی درگیر فساد و تبانی باشد که چنین اتفاقات واضحی را نادیده می‌گیرد. اما اینها از موارد ابهام برانگیزی است که پاسخش در داخل قصه گنجانده نشده و از جایی به بعد واقع‌پذیری سوژه را هم زیر سوال می‌برد.

یکی دیگر از نقاط ضعفی که سریال گرفتار آن شده، نبود کاراکترها در درجهان، به مخاطبان رویامی فروشند. از طریق بررسی مولفه‌های تکرارشونده در این آثار می‌توان فهمید که در جامعه مخاطبان هدف آنها چه طیف‌هایی و با چه گستردگی و دامنه‌ای وجود دارد و این افراد چه رویاهایی دارند. اگر در بسیاری از فیلم‌های فارسی می‌بینیم که دختری ثروتمند و زیبا به پسری فقیر و معمولی علاقه‌مند شده، این یعنی طیفی از جامعه شهری آن دوره که سودا و رویای پیشرفت را در سر می‌پرورانند. به امید صعودی یک شبه و بی‌زحمت دلش را خوش می‌دارد و بیشتر مخاطبان این آثار هم پسران جوان هستند. در بررسی انواع دیگری از آثار می‌شود به وضوح فهمید که قبل از هر چیز باید دوینیات روان‌سازه‌اش مورد بررسی قرار بگیرد. اگر چند اثر از یک نویسنده یا کارگردان سینما کار هم قرار بگیرند، به دست آوردن تحلیل‌های این چنینی آسان‌تر هم خواهد شد. کنار هم قرار دادن چند مورد از آثاری که حامد عنقا نویسنده آنها بوده هم این دستمایه را فراهم می‌کند. از بررسی بعضی نظرات که در فضای مجازی منتشر می‌شوند می‌توان فهمید حتی مخاطبان عادی آثار که نه تنها کارشناس روانشناسی نیستند، بلکه تخصصی در نقد هنری هم ندارند درمورد قصه‌هایی که این نویسنده روایت کرده مسئله را به دوینیات خود اوربط می‌دهند. یک تحلیل چند خطی در فضای پلتفرم ایکس یا همان توییتر سابق سرزمنه را به دست باقی افراد داد و آزان به بعد هر یک روی همین خط حرکت کردند چون دقیق‌ترین نکته و فوری‌ترین نکته‌ای که هر ذهنی را در تحلیل آثار این نویسنده به اقناع درونی می‌رساند، از روی همین خط حرکت می‌کند. یک نفر در شبکه ایکس نوشت که حامد عنقا هر کاری می‌نویسد، اسمم بازیگر مرد قصه را حامد می‌گذارد و زنی را در قصه نشان می‌دهد که عاشق و شیفته و شیدای حامد است. در چنین موردی این رویاهای مخاطب نیست که به او فروخته می‌شود، بلکه رویای خود خالق اثر است که در اثر تحلی پیدا می‌کند. نوع نگاهی که این نویسنده به مساله زن دارد پس از تکرار در چند اثر، حالا دیگر برای همه شکل شناخته شده‌ای پیدا کرده و البته باید توجه داشت که این تم تکرارشونده، از آن نوع تم‌هایی نیست که همدلی و همذات‌پنداری غالب مخاطبان را برانگیخته کند و درست برعکس، شکلی بسیار زننده و پرداغمه دارد. جایی که قیله‌های عامه‌پسند به گروه بزرگی از مخاطبان رویا می‌فروشند، عقده‌های فروخورده جماعتی که این رویاها را باور می‌کنند و انگار به خواب رفته‌اند، مورد نقد قرار می‌گیرد اما جایی که خالق یک اثر به خودش رویا بفروشد، مخاطبی که اساسا دغدغه‌اش آن رویای به خصوص نیست از این حرکت به شدت زده می‌شود. بدتر از آن جایی است که مخلوط شدن کمپلکس‌های جنسی و شخصیتی با ایده‌های دست راستی در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، معجونی پدید می‌آورد که اگر به آن مذهبی بودن هم اضافه شود، زشت‌ترین و زننده‌ترین مورد از مذهبی بودن را پدید می‌آورد؛ چیزی که از یک آن تحت عنوان وهن مذهب هم می‌توان یاد کرد و در تمام دوره‌های تاریخی ایران حتی از جانب مذهبی‌ترین افراد منفور بوده است. امروز به آن صورتی می‌گویند، روزی دیگر بوزوایای تسبیح به دست خوانده می‌شد. در دوره‌ای که مذهب پیوند عمیقی با سیاست انقلابی پیدا کرده بود به آن اسلام آمریکایی می‌گفتم و حتی در سال‌های دور ماضی، از آن تحت عنوان فرقه سالوس و ریا یاد می‌شد. آثار حامد عنقا را از جهات مختلف می‌توان بررسی کرد و حتی ممکن است بتوان در بعضی از آنها درون‌مایه‌های جذابی از قصه‌گویی عامه‌پسند پیدا کرد اما این کمپلکس که بیرون دادشان در آثار او تمام‌شدنی نیست و به دال مرکزی قصه هم تبدیل می‌شود در آثار اخیر او وی تمام جنبه‌های دیگر سایه انداخته و حالا که این خصوصیت توسط مخاطبان به طور ذوق شناخته شده و روی آن حساسیت وجود دارد ادامه کار حامد عنقا را به این شکل به‌شدت مشکل می‌کند.

قضاوت «گناه فرشته» در محکمه مجازی

اکنون که سریال «گناه فرشته» به قسمت‌های پایانی خودش نزدیک شده است، مخاطبان این سریال نمایش خانگی در فضای مجازی نسبت به روند پخش، خط داستانی و عاقبت کاراکتر اظهارنظرهای شدیدالحنی دارند و در مقام یک منتقد زوایای مختلف پیرنگ راتحت وارسی قرار می‌دهند و مو را از ماست بیرون می‌کشند. بعضی از اظهارنظرها مثبت، برخی منفی و بعضی دیگر صرفا ابراز احساساتی هستند که کاربران فضای مجازی نسبت به بازیگران موردنظرشان عنوان کرده‌اند. در این بخش به تعدادی از واکنش‌های مخاطبان به سریال گناه فرشته در رسانه ایکس خواهیم پرداخت.

محمدصادق عابدینی، روزنامه‌نگار و فعال فضای مجازی از علاقه فیلمساز نسبت به اسم حامد پرده برداشت و عنوان کرد: «حامد عنقا و فرشته تتمه آبروی وکالت رو هم ببرد! تصویر تخیلی از وکلا ارائه داد، ذره‌ای از مصائب و معضلات رو نشون نداد، رابطه وکلا و موکلین رو در تصفیر مردم مخدوش کرد، وکلا رو متمول و خدمات وکالت رو لاکچری نشون داد و بدبختی ما جرا اینجاست که اغلب مردم این روایات غلط رو باور کردند...»

عصمه رشد هم در فضای مجازی نسبت به کیفیت فیلمنامه است و کاربری در این باره نوشته بود: «بد بودن سریال گناه فرشته، گناه حامد. عنقاست که اصرار داشته سناریوی افتضاحش را خودش هم کارگردانی کند!» یکی از کاربران فضای مجازی با اشاره به مدل گویندگی جواد خیابانی که توضیحات اضافی را به بدیهیات الصاق می‌کند درمورد کیفیت فیلمنامه این سریال نوشت: «فکر کنم فیلمنامه گناه فرشته رو جواد خیابانی نوشته.» کاربر دیگری در فضای مجازی نسبت به دیر شروع شدن سریال گلاله کرده و نوشته بود: «انگار بعد اعدام فرشته و هرمبیل نمایش خانگی فقط همین سریال نیست و بقیه آثاری هم که به عنوان سریال‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، پر از خیانت، روابط غلط و شغل‌های کاذبی هستند که مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی در آنها به وفور و عیان دیده می‌شود. همه اینها در شرایطی اتفاق می‌افتادکه ماتهادهایی داریم که دقیقا کارشان بررسی فیلمنامه و محتوای آنهاست. به فرض اینکه مشکلات اجتماعی را باید در فیلم و سریال نشان داد، اما آیا همه جامعه ما این است؟ و نکته مهم‌تر اینکه بسیاری از این آثار نیاز به رده‌بندی جدی سنی دارند که دست‌کم خانواده‌ها اجازه ندهند کودک‌شان به تماشای آنها بنشیند.»

یکی دیگر از منتقدان گناه فرشته نسبت به تصویری که این سریال از وکلا نشان داده بود شکایت داشت و در این باره نوشت: «سریال گناه فرشته تتمه آبروی وکالت رو هم برد! تصویر تخیلی از وکلا ارائه داد، ذره‌ای از مصائب و معضلات رو نشون نداد، رابطه وکلا و موکلین رو در تصفیر مردم مخدوش کرد، وکلا رو متمول و خدمات وکالت رو لاکچری نشون داد و بدبختی ما جرا اینجاست که اغلب مردم این روایات غلط رو باور کردند...»

شراره داوودی هم از فعالان فضای مجازی با انزشر منتشر می‌شد با عنوان «تخت گاز «گناه فرشته» در نبرد نظارت» نوشت: «یکی از مجموعه‌های پرسروصدای اخیر گناه فرشته بود که در ابتدا به نظر می‌رسید سریالی نسبتا خشن درباره جند خانواده که از قدیم نسبت به هم کینه دارند، باشد؛ اما هرچه جلوتر رفت، روایت‌های عجیبی به آن اضافه شد! خیانت‌های پی‌درپی، سیگار کشیدن‌های بی‌پایان، خانواده‌های از هم‌پاشیده، روابط بسیار بد پدر و پسر و تبر آخر که وکیلی عاشق موکل نوجوان خودش شد و با وجود اینکه هم‌سن دخترش بود و پای چوبه دار، با او ازدواج کرد! هرچند شرایط هرمبیل و ۵۱۰ میلیون و ۸۹۰ هزار ریالی در اختیار آپارا تجی قرار گرفت و «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» نیز با سهم ۱۶۴ درصدی معادل ۵۷۶۹ مخاطب برای ۹۹۵ سانس اکران شد و درآمد ۳ میلیارد و ۵ میلیون و ۳۹۰ هزار ریالی به جایگاه ششم بسنده کرد. این درحالی است که نوروز هم با هنرنمایی علی نصیریان در همین دوره توانست سهم ۱۰۰۳ درصدی از کل مخاطبان یعنی ۳۶۳۴ نفر مخاطب برای ۳۶۴ سانس اکران و درآمدی معادل ۲ میلیارد و ۲۶۵ میلیون و ۷۶۰ هزار ریالی را تجربه کند تا در جایگاه هفتم قرار گیرد و نهایتا پرویزخان با سهم تنها ۵۴ درصدی از کل مخاطبان معادل ۱۹۲۷ بلیت فروخته شده از دیگران جا ماند و برای ۱۸۸ سانس اکران تنها یک میلیارد و ۲۰۹ میلیون و ۸۵۰ میلیون ریال درآمد داشت تا آخرین رتبه جدول پرمخاطب‌های ۳۶ ساعت گذشته را به خود اختصاص داده باشد.

چارسو

فروش سینما در هفته سوم فروردین

براساس آمارهای ثبت شده از میزان استقبال از فیلم‌های درحال اکران در تعطیلات پایان هفته قبل ۳۵۳ هزار نفر برای دیدن فیلم دوم‌روایت هفته خود در هفته سوم فروردین ۱۴۰۲ سینما رفتند و تمساح خونی همچنان صدرنشین جدول فروش هفتگی است. براساس آمارهای رسمی ثبت شده در سامانه مسقط به عنوان مرجع میزان فروش گیشه‌ها در سه روز پایانی هفته که مصادف با تعطیلات عید سعید فطر نیز بود مجموعا ۳۵۲ هزار و ۵۲۹ نفر برای دیدن فیلم مورد علاقه خود از فیلم‌های درحال اکران بلیت سینما تهیه کردند. به این ترتیب با درنظر گرفتن مجموع ۸۰۵ سانس اکران فیلم‌ها در این دوره درآمد گیشه‌های دوره موردنظر در سراسر کشور معادل ۲۴۶ میلیارد و ۹۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال بوده است که حکایت از رونق گیشه‌ها در این ایام دارد. از سوی دیگر با درنظر گرفتن عملکرد انفرادی هشت فیلم درحال اکران سال ۱۴۰۳ آن طور که آمارها نشان می‌دهد تمساح خونی با سهم ۲۸٫۶۰ درصدی از کل مخاطبان سه روز پایانی هفته قبل که معادل ۱۷۱ هزار و ۳۳۸ نفر بوده برای ۲۸۲۷ سانس اکران درآمد ۱۲۰ میلیارد و ۶۷۴ میلیون و ۲۶۵ هزار ریالی داشته تا به این ترتیب همچنان صدرنشین جدول پرمخاطب‌های سینمای ایران شناخته شود. اما نکته جالب توجه اینجاست که تازه‌وارد فهرست اکران یعنی فیلم «سال گربه» تنها در ۳۶ ساعت نخست اکرانش توانسته است جایگاه دوم جدول را با سهم ۳۰٫۳۶ درصد مخاطب معادل ۱۰۷ هزار و ۳ نفر برای ۱۸۷۵ سانس اکران و درآمدی معادل ۷۶ میلیارد و ۵۵۶ میلیون و ۵۲۵ هزار ریال به نام خود کند که براساس آمارها یک رکوردشکنی قابل توجه در این دوره از اکران فیلم‌هاست و برخی از منتقدان براین باورند که سال گربه می‌تواند برخی رکوردهای ثبت شده برای فیلم‌هایی مثل فسیل، هتل و تمساح خونی را به نام خود کند و یکی از شواهد آن هم فروش تقریبا بیش از دوبرابری سال گربه در تعطیلات پایان هفته نسبت به فیلم «پدی» است. در همین حال بی‌پدی نیز به عنوان یکی از فیلم‌های درحال اکران سینماهای سراسر کشور در دوره مورد نظر توانسته است سهم ۱۴٫۱۴ درصدی مخاطبان یعنی ۴۹ هزار و ۸۵۲ نفر را برای ۱۵۰۹ سانس اکران و درآمد ۳۵ میلیارد و ۵۷۹ هزار و ۵۱۰ هزار ریالی به خود اختصاص دهد تا به این ترتیب در جایگاه سوم جدول پرمخاطب‌های این مدت معرفی شود. اما «آسمان غرب» در همین دوره نیز توانست نظر ۶٫۱۴ درصد از مخاطبان را که معادل ۷۵۶۴ نفر بود، به خود جلب کند تا به این ترتیب با ۳۴۹ سانس اکران و درآمدی معادل ۳ میلیارد و ۷۱۵ میلیون و ۵۱۰ هزار ریالی در جایگاه چهارم قرار گیرد. از سوی دیگر جایگاه پنجم جدول پرمخاطب‌های ۳۶ ساعت گذشته با سهم ۱٫۵۳ درصدی معادل ۵۲۱۲ مخاطب برای ۲۰۳ سانس اکران و درآمد ۳ میلیارد و ۸۰۹ میلیون و ۸۵۰ هزار ری